

۲۳۹



ترجمه قرآن

امیرکرم الله وجهه (سورآبادی)

الذی

به کوشش محمد مهبیار

پیش گفتار

تلاش ایرانیان مسلمان برای درک و دریافت محتوای قرآن کریم اگر چه از صدر اسلام آغاز شده بود اما ترجمه کلام الهی به زبان پارسی همراه با شرح و تفسیر آن از قرن چهارم هجری قمری رونق علمی یافت؛ چه بسیار است ترجمه و تفسیرهای ناتمام که در همین دوره از قرآن کریم به پارسی انجام گرفته و غالباً بیش از چند جزء از قرآن را شامل نمی شود، و نسخ فراوان آنها در کتابخانه های سراسر جهان موجود است؛ اما اولین ترجمه و تفسیر کامل که در دست است متعلق به قرن چهارم هجری قمری است، به نام ترجمه تفسیر طبری که اگر چه با این نام شناخته شده است ولی ارتباطی با تفسیر ابوجعفر محمد بن جریر طبری ندارد، بلکه خود تألیفی جداگانه و کامل محسوب می شود؛ عمده ترین ترجمه ها و تفسیرها به زبان فارسی در میان سده های چهارم تا ششم به همت مسلمانان پارسی گوی عربی دان تألیف شده است مثل تاج التراجم اسفراینی، تفسیر التفاسیر سورآبادی در قرن پنجم، تفسیر نسفی در قرن پنجم و ششم، لطائف التفاسیر در واجکی و کشف الاسرار میبدی و تفسیر بصایر یمینی اثر معین الدین نیشابوری و روض الجنان ابوالفتح رازی در قرن ششم؛ از بین این آثار روض الجنان به مذاق و مشرب امامیه نگاشته شده است و مابقی را علمای اهل سنت تألیف کرده اند؛ هم چنان که در مقدمه ترجمه ابوالفتح رازی از قرآن کریم اشاره کرده ام، بازایی ترجمه های کهن و به زیور طبع آراستن آنها، به گونه ای که فراخور دید و درک و سلیقه والای نسل معاصر قرار بگیرد، وظیفه ای است که بر عهده پژوهندگان این شاخه از معرفت انسانی گذاشته شده است و فواید جندی را متضمن است، که برای بهره از تکرار، خواننده را به کتاب مذکور ارجاع می دهم، اما نکته ای که در این مجال مختصر اشاره به آن را لازم می دانم، این است که اولاً تحقیقاتی از این دست با چندین شعبه از علوم انسانی سر و

شماره ۴۹، ۵۰، پنجاه

۳۲۷

۳۳۹

تفسیر سورآبادی

کار دارد، من باب مثال این تحقیق از سویی با قرآن پژوهی مربوط است و از دیگر سو با زبان شناسی تاریخی و فقه اللغه؛ لذا پژوهنده با در نظر گرفتن جوانب کار به گونه‌ای که در هر زمینه راه افراط و تفریط را نیمایند و تحقیق دستخوش ایجاز خلل آور و اطباب ملال آور نشود آن را سامان می‌دهد.

مطلب دیگر قابل ذکر آن است که در این سرزمین خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، در زمینه علوم قرآنی و ترجمه و تفسیر، تحقیقات وسیعی انجام گرفته است که برای ذکر نام آنها نیازمند به کتابشناسی پر و پیمانی خواهیم بود، البته قدم‌های بلندی در این راه برداشته شده است مثل کتابنامه بزرگ قرآن کریم، تدوین گروهی از محققان زیر نظر محمد حسن بکایی که تا کنون هژده جلد آن انتشار یافته است. که اجر پژوهندگان و پدید آورندگان این نوع آثار مشکور است، اما متأسفانه اخیراً مشاهده می‌شود که بسیاری از تحقیقات معاصران در این زمینه در موازات هم و گاهی هم تکراری است؛ هم چنین مراکز تحقیقات قرآنی و مؤسسات قرآن پژوهی فراوانی را در گوشه و کنار این سرزمین مشاهده می‌کنیم که تشکیلاتی گسترده دارند و هزینه‌های فراوان صرف می‌کنند، اما حاصل کارشان چندان چشم گیر و قابل ملاحظه نیست؛ البته این حکم بر تمامی این محققان و مؤسسات جاری نیست؛ شاید اکنون زمان آن فرا رسیده باشد که با تاسیس یک مرکز، تحت عنوان فرهنگستان علوم قرآنی، تمام قرآن پژوهان در ارتباط با هم و با اطلاع از تحقیقات یکدیگر، قدم‌های اساسی در این راه بردارند.

این ترجمه

ترجمه و تفسیر سوراآبادی معروف به تفسیر التفاسیر در حدود سال ۴۷۰ هجری در زمان آلب ارسلان سلجوقی به همت ابوبکر عتیق بن محمد سوراآبادی انجام پذیرفته است. مترجم و مفسر از کرامیان نیشابور است و مذهب وی حنفی یا حنبلی است؛ از زندگی وی چندان اطلاعی نداریم جز این که وفات او را به سال ۴۹۴ هجری قمری ثبت کرده‌اند. از این ترجمه و تفسیر نسخه‌های متعددی در دست است و نیز به جهت اهمیت آن، سه اختصار جداگانه از آن تحریر شده است؛ نسخه‌ای کامل از نوع اخیر در دست است که کاتب آن محمد بن علی بن علی النیسابوری الیثی است، وی پس از پنج سال کار مداوم کتابت آن را به سال ۵۸۴ هجری به پایان رسانیده و آن را به ابوالفتح محمد بن سام، سلطان غور، «از ۵۵۸ تا ۵۹۹»، تقدیم کرده است؛ و سپس در تاریخ ۶۵۴ هجری قمری احمد بن ابی الحسن النامقی این نسخه را بر مزار جد خود، شیخ الاسلام احمد بن ابی الحسن النامقی ثم جامی وقف کرده، و سرانجام در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی به همت مرحوم علی اصغر

حکمت، وزیر فرهنگ وقت، این نسخه به موزه ایران باستان در تهران منتقل گردیده است.

این متن که به نسخه تربت جام شهرت پیدا کرده، شامل یک دوره کامل ترجمه قرآن کریم است همراه با گزیده تفسیر؛ این اثر یک بار به کوشش مرحوم یحیی مهدوی و مرحوم مهدی بیانی در ۱۳۳۸ هجری شمسی جزو انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است، اساس کار ما در این تحقیق نسخه تربت جام است، اما مواردی که افتادگی در نسخه تربت جام بوده است به دیگر نسخ، خصوصاً نسخه چاپ عکس بنیاد فرهنگ و تفسیر سوراآبادی به تصحیح مرحوم سعیدی سیرجانی مراجعه شده است.

اما کارهایی که بر روی این اثر انجام شده عبارت است از: ابتدا ترجمه قرآن را از متن استخراج کرده‌ام و با نسخ مذکور مقابله کرده‌ام و خطاهای فراوانی که در نسخه چاپی وارد شده بود برطرف کردم و چند مورد افتادگی که در نسخه تربت جام موجود است و در چاپ دانشگاه به جای آن از ترجمه روض الجنان استفاده کرده بودند، به کمک نسخه عکسی و چاپ مرحوم سعیدی سیرجانی آن نقص‌ها را برطرف کردم، مجموعه این تغییرات و تصحیح‌ها در بخش تعلیقات نقل شده است؛ در رسم الخط و آیین سجاوندی و یکدست سازی کلمات از دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده کرده‌ام. در عین حال که ویژگی‌های املائی و آوایی و دستوری نسخه حفظ شده است؛ علت تغییر در رسم الخط این اثر صرفاً جهت درست خواندن متن بوده، زیرا مترجم از رسم الخط یکسانی پیروی نکرده است. مثلاً علامت‌های جمع در بعضی موارد متصل به کلمه قبل از خود آمده و گاهی منفصل، بای تأکید گاهی متصل و گاهی منفصل آمده، حرف «به» اضافه و قید ساز و صفت ساز گاهی متصل آمده و گاهی منفصل. بسیاری از کلمات در یک جا سر هم نوشته شده و در جای دیگر جدا، مثل گردن کشی / گردنگشی، نام برده / نامبرده، دروغ زن / دروغ زن، گراف کار / گرافکار، راست گوی / راستگویی، نگاه بان / نگاهبان، ستم کار / ستمکار، هم چنین اعمال آیین سجاوندی (نقطه گذاری) برای سهولت در خواندن؛ دیگر، تقسیم متن ترجمه به شش صد و چهار صفحه به گونه‌ای که در مقابل قرآن کتابت عثمان طه قرار گیرد. بخش ویژگی‌های زبانی ترجمه شامل ویژگی‌های آوایی، املائی، رسم الخطی، دستوری و فهرست واژه‌های فارسی ترجمه می‌شود؛ در این بخش سعی شده است برای هر مورد حداکثر شش شاهد مثال آورده شود، پس در مواردی که شواهد مثال کم‌تر از شش مورد است کل موارد را ذکر کرده‌ام؛ در بخش فهرست لغات سعی بر آن بوده است که هم واژه‌های فارسی - قرآنی فهرست سازی شود و هم مفردات و ترکیبات قرآنی - فارسی و ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها بدین گونه است که ابتدا واژه مدخل (اعم از فارسی یا عربی) با حروف سیاه، به ترتیب الفباء آمده است سپس در

مقابل آن واژه معادل آن قرار گرفته و سرانجام شماره سوره ها و آیه هایی که این واژه در آن آمده است قرار دارد. ترتیب شماره ها هم بدین گونه است که عدد سمت راست، شماره سوره و عدد سمت چپ شماره آیه است؛ مواردی هم که واژه مدخل در مقابل دو یا چند واژه برابر قرار گرفته است به ترتیب با تکرار واژه مدخل و تغییر واژه برابر، این دست واژه ها نشان داده شده است.

در اینجا جا دارد از استادم جناب آقای دکتر علی رواقی، محقق گرانقدر سپاسگذاری کنم که با دقت بی مانندشان این اثر را قبل از چاپ از نظر گذراندند و نواقص آن را به بنده یادآور شدند و هم چنین از قرآن پژوه فرزانه، استاد بهاء الدین خرمشاهی به جهت راهنمایی های بجا و به موقع شان منت پذیرم.

ده سال قبل تحقیق بر روی اولین ترجمه کهن را آغاز کردم مصمم بودم که حدود پنج ترجمه کهن قرآن کریم را به شکلی شایسته و در خور و در لباسی آراسته، به زیور طبع بیارایم، امروز که پس از ده سال موفق به سرانجام رساندن دومین اثر از آن پنج ترجمه معهود شده ام آرزو می کنم تا آن قدر زمان و مجال دست دهد که به این آرزوی دیرینه ام دست یابم.

۱. نام مؤلف به صورت های سوزانی، سوزانی، سوزبانی، سوزوانی هم ضبط شده است. برای اطلاع بیشتر رجوع شود، به ضمیمه تفسیر معروف به سوزآبادی، تألیف نجیب مهدوی، تهران، ۱۳۵۹، و مسائل تاریخی زبان فارسی، دکتر علی اشرف صادقی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹.

۶۸۷۰

ترجمه های کهن

۳۴۲

بنگاه
انتشارات